

تأملی به مسأله کرونا به عنوان بزنگاه برون رفت از توسعه نیافتگی

محمد لعل علیزاده^{*۱}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۴

DOI:10.22124/wjps.2021.19409.2810

۷



فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره دهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰، پیاپی ۲۶-۳۰ (صفحات: ۷-۳۰)

چکیده

کووید ۱۹ از جنبه تخصصی در حوزه علوم پزشکی قرار می‌گیرد اما گستره تأثیرگذاری آن فراگیر شده است. همه‌گیری و همه‌درگیری کرونا از جنبه علمی همه علوم و رشته‌های دانشگاهی و از جنبه عمومی، همه حوزه‌های زندگی انسانی را در بر گرفته است. بنابراین از جنبه‌های مختلف موضوع گفتگوها، جدال‌ها و چالش‌ها در سطح عمومی و در سطح علمی شده است. پژوهش حاضر معطوف به کرونا و توسعه، کرونا و انتخاب مسیرهای پیش رو است. در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، بزنگاهی و نقطه عطف بودن بحران‌های گذشته و کووید ۲۰۱۹ را نشان داده‌ایم و با بررسی این پرسش که کرونا چگونه به عنوان واقعه بزنگاهی در انتخاب مسیر آینده کشورها نقش مهم و بزنگاهی را ایفا می‌کند، این ادعا بررسی شد که کرونا به عنوان واقعه بزنگاهی در قالب وارد ساختن شوک، تلنگر و بحران، زمینه‌ساز بازسازی، اصلاح و تغییر است. سخن گفتن از قبل و پس از کرونا در توصیف و تحلیل پدیده‌ها بیانگر لحظه انتخاب تغییرات‌گزینی است؛ تبیین‌کننده نگاه و تأمل مجدد به روش‌ها، استراتژی‌ها، مدل‌ها و مسیرها است. کرونا می‌تواند نقطه عطف انتخاب‌های مجدد در عرصه داخلی و خارجی کشورها باشد. با این رویکرد به مسأله کرونا به مثابه واقعه بزنگاهی شاید پژوهشگران در آینده برخی کشورها را با توجه به انتخاب روش‌ها، استراتژی‌ها و مسیرهای جدید در لحظه و بزنگاه کرونا به موفق و شکست خورده تقسیم کنند.

واژگان کلیدی: کرونا، بزنگاه، دو راهی انتخاب، بازاندیشی و اصلاح، الگوهای توسعه

مقدمه

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: M_lalalizadeh@yahoo.com

کرونا بحران و تلنگر قرن ۲۱ است، بحران و تلنگر زمینه ساز بازاندیشی، بازسازی، اصلاح رویه‌ها و انتخاب مسیرهای جدید است. کرونا به‌عنوان واقعه بزنگاهی به معنی مشروعیت بخشی به وضعیت بحرانی و باور به ایجاد بحران جهت تغییر و توسعه نیست بلکه اشاره به وضعیت موجود و تبیین فرصت‌ها در شرایط بزنگاهی است. بحران‌ها و ضربه‌های سنگین، پیامدهای متفاوتی برای کشورها، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران به همراه داشته است. در سال ۲۰۰۳ تایوان از شیوع بحران سارس ضربه‌های سنگینی خورد. این تجربه، الهام بخش برنامه ریزی برای آینده تایوان بود. درس‌گیری از بحران سارس، تایوان ۲۰۲۱ را به یکی از نمونه‌های موفق کنترل و مدیریت بحران کرونا تبدیل ساخته است. مثال تایوان و نمونه‌های دیگری از استفاده از شرایط بزنگاهی در این نوشتار، متفاوت از ادبیات پیشین در خصوص بحران‌ها، به فرصت‌ها در بحران‌ها و مؤلفه‌های ایجابی آن متمرکز است. در ادبیات توسعه و توسعه نیافتگی بیشتر به عوامل داخلی و بین‌المللی توسعه و توسعه نیافتگی و کمتر به لحظات سخت تصمیم‌گیری و بزنگاه اشاره می‌شود. در موضوع کرونا نیز بیشتر پیامدها و تاثیرات منفی آن تبیین می‌گردد. با توجه به چنین خلاء در تحقیقات مرتبط با بحران‌ها، کرونا و ادبیات توسعه و توسعه نیافتگی، این مکتوب در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- بحران‌ها تهدیدآفرین، فرصت‌ساز یا دو راهی‌های تجربه‌ها و انتخاب‌های متفاوتند؟
- کرونا چه انتخاب‌هایی پیش روی تصمیم‌گیران قرار داده است؟
- وضعیت بزنگاه چگونه وضعیتی است؟ آیا کرونا واقعه بزنگاهی است؟
- کرونا چگونه به‌عنوان واقعه بزنگاهی در انتخاب مسیر آینده کشورها نقش ایفا می‌کند؟

کرونا به‌عنوان واقعه بزنگاهی در قالب تلنگر و شوک، زمینه بازسازی، اصلاح و تغییر در حوزه‌های مختلف و سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها را فراهم می‌سازد. همچنین کرونا نقش بزنگاهی در فرایند الگوهای داخلی و خارجی توسعه ایفا می‌کند. در راستای الگوهای توسعه درون‌زا و برون‌زا می‌تواند به‌عنوان لحظه انتخاب و تسریع این روندها و الگوها نقش ایفا کند. ساختار مقاله با توجه به ارزیابی پرسش‌های فوق و نشان دادن کرونا به‌عنوان واقعه بزنگاهی در چارچوب دو محور موصوف سازماندهی گردید.

۱. ادبیات پژوهش

کووید ۱۹ به عنوان پدیده همه گیر شناسایی شده است. با همه گیری و عالم گیری کرونا و تاختن آن در سراسر جهان، تمامی علوم، حوزه ها و ابعاد زندگی انسان ها تحت تأثیر این بحران قرار گرفته است. بنابراین ادبیات گسترده و تفصیلی درباره کرونا و تأثیر گذاری و پیامدهای آن شکل گرفته است. حجم گسترده پژوهش ها در رابطه با کرونا در حوزه علوم انسانی را می توان در محورهای کلی زیر تلخیص کرد: کرونا و پیامدها، چالش ها و مصیبت های آن؛ کرونا و تأثیر گذاری های آن از جنبه سلبی و به عنوان تهدید و مشکل؛ ترسیم شرایط پسا کرونا؛ کرونا و مدیریت بحران.

ادبیات موجود درباره محورهای موصوف بسیار گسترده است. هر کدام از آثار در این زمینه از منظری به موضوع کرونا پرداخته اند. به نظر می رسد پژوهش ها در زمینه نگاه فرصت محورانه و ایجابی به واقعه کرونا بسیار اندک است. این که می توان به کرونا با وجود همه پیامدهای منفی و تأثیر گذاری های مصیبت بار در زندگی انسان، به عنوان بزنگاه جهت برون رفت از وضعیت توسعه نیافتگی هم نگریست. مشابه ترین پژوهش ها در این زمینه را می توان در آثار زیر مشاهده کرد:

خلیلی در مقاله ای با عنوان «بزنگاه کرونا: وستفالیای نوین بین المللی»، به کرونا به عنوان واقعه بزنگاهی برای عبور از شرایط موجود و لزوم تدوین پیمان نوین اجتماعی جهان پایه می نگرد (خلیلی، ۱۳۹۹ ب). این مقاله در نگاه به موضوع کرونا به عنوان بزنگاه، با پژوهش حاضر هماهنگ است. اما تفاوت آن در پرداختن به موضوع کرونا جهت ترسیم پیمانی فراتر از وستفالیای جهانی شدن است. بنابراین توسعه و توسعه نیافتگی موضوع این پژوهش نمی باشد. در پژوهش دیگری با عنوان «تأثیر پاندومی کرونا بر توسعه حکمرانی هوشمند» به وضعیت کرونا در جهت توسعه اصول و ابزارهای حکمرانی هوشمند تاکید شده است (نصری و تبرزد، ۱۳۹۹). در این مقاله بزنگاهی بودن کرونا و تأثیر آن بر توسعه بررسی نشده است و موضوع و مسأله متفاوتی هدف آن بوده است.

در مقاله «ساخت‌بندی و افتراق حوزه پولیتیک از پالیسی؛ تایوان و سازوکارهای کنترل و مدیریت بحران پاندمیک بیماری کووید ۱۹» (بیداله خانی، ۱۳۹۹: ۱۰-۱۹)، دلایل موفقیت تایوان در کنترل کرونا تبیین می‌گردد. تمرکز پژوهش بر نقش جدایی حوزه سیاسی از حوزه پالیسی است. با وجود توجه به درس‌های تایوان از تجربه سارس، به کرونا به‌عنوان نقطه عطف یا بزنگاه برای برون رفت از شرایط بحرانی اشاره ندارد. در کتاب‌های «آشوب: نقاط عطف برای کشورهای بحران زده» (دایموند، ۱۳۹۹) و «چرا کشورها شکست می‌خورند» (اگلو و رابینسون، ۱۳۹۴) به نقش بزنگاه و نقاط عطف در توسعه و توسعه نیافتگی تأکید شده است اما کرونا موضوع این مطالعات نیست. بنابراین در راستای این خلاء پژوهشی، مکتوب حاضر در صدد است به وضعیت کرونا از منظر توجه به فرصت‌ها و ایجاد شرایط انتخاب در دو راهی‌ها بپردازد. همچنین در این پژوهش تلاش داریم توسعه و توسعه نیافتگی را از منظر شرایط بحرانی، شوک و تلنگر، وضعیت بزنگاهی و نقش بزنگاه کرونا در فرایند توسعه مورد بررسی قرار دهیم.

۲. بحران: فرصت و تهدید؛ تصمیمات دشوار

بحران (Crisis) در فرهنگ لغت در کنار معانی سرگشتگی، آشفتگی، تلاطم، تنش و خطر، بزنگاه، نقطه عطف و موقع حساس نیز معنی شده است (آریانپور کاشانی، ۱۳۸۱؛ English vocabulary.ir). پیشامدی که به‌صورت ناگهانی و گاهی فزاینده رخ می‌دهد و به وضعیتی خطرناک و ناپایدار برای فرد، گروه یا جامعه می‌انجامد (محمدشفیعی و محمدشفیعی، ۱۳۹۴: ۲). که شرایط دشوار (Dilemma) و دوراهی و چند راهی را در پی دارد. این وضعیت دربردارنده فرصت و تهدید است. بنابراین تصمیم‌گیری را دچار مشکل می‌سازد. داستان «ببر یا بانو؟» اثر فرانک استاکتون، به خوبی این موقعیت دشوار انتخاب را ترسیم می‌کند؛ جوانی که با دختر پادشاه رابطه عاشقانه دارد و پادشاه به حکمی عجیب او را محکوم می‌کند.

جوان در مقابل دو در قرار می‌گیرد که باید یکی را انتخاب کند؛ در پشت یک در بانویی است که شاهزاده خانم از او متنفر است و اگر در را باز کند جوان باید با او ازدواج کند و در پشت در دیگر، ببری گرسنه قرار دارد (Stockton, 2012).

داستان موصوف بیانگر همه شرایط بحرانی نیست، بدیهی است که در برخی موقعیت‌های بحران، نقش و گزینه‌های کنشگر بیشتر است اما پیامد مهم وضعیت بحرانی، نبود قطعیت و امکان تصمیم‌گیری است (بشیر، ۱۳۸۷: ۹). در این شرایط نبود قطعیت، امکان انتخاب گزینه‌های اساسی فراهم می‌گردد. بنابراین بحران به مثابه «لحظه سرنوشت ساز» است؛ به مثابه یک نقطه عطف که تفاوت بین اوضاع قبل و پس از آن «لحظه» با تفاوت بین قبل و بعد اکثر لحظات دیگر به شدت فرق دارد (دایموند، ۱۳۹۹: ۱۹-۲۰). تفاوت قبل و بعد از بحران به معنای لزوماً مثبت و موفقیت آمیز بودن تحولات آینده نیست. ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ هم کنترل و نظارت بر شهروندان را بیشتر کرد و هم بیگانه ستیزی را گسترش داد. قبل از ۱۱ سپتامبر دولت در صدد تصویب قانون حمایت از اطلاعات شخصی بود اما بلافاصله پس از ۱۱ سپتامبر، تمرکز بر این شد که چگونه از شرکت‌ها برای جمع‌آوری داده‌های شخصی حمایت کنند (بیکر، ۱۳۹۹). اما بحران‌ها اغلب زمینه را برای بهبود اوضاع و تغییر شرایط فراهم می‌سازند. بحران‌ها به تاریخ شکل می‌دهند و فرصت‌هایی را برای بازنگری و بازآفرینی شرایط فراهم می‌سازند. میروسکی در کتاب «هرگز نباید یک بحران جدی را به هدر داد»، به فرصت‌های برآمده از بحران برای نئولیبرالیسم اشاره دارد (Mirowski, 2013).

کتاب «بهشت ساخته شده در جهنم» با تشریح بحران‌ها و فاجعه‌های بزرگ نشان می‌دهد که چگونه بحران‌ها مردم و سیاستمداران را به یک اتویبای موقتی از وضعیت‌های تغییر یافته امکانات اجتماعی و ذهنی سوق می‌دهد. نویسنده کتاب، لحظات نوع دوستی و سخاوت پس از بحران را ترسیم می‌کند. چرا پس از فاجعه مردم ناگهان نوع دوست، مدبر و شجاع می‌شوند؟ چه چیزی باعث شده که پیشرفت و توسعه برخی از جوامع در پس بحران‌ها به وجود می‌آیند (Solnit, 2010).

با بحران، پیام، لحن و رفتار تغییر می‌کند. در یک بحران، مسائل غیرقابل پیش‌بینی و عدم اطمینان زیادی وجود دارد، تصمیم درست مسیر آینده را تعیین می‌کند. وقوع زمین لرزه‌ای در مکزیک (سال ۱۹۸۵) که باعث مرگ ۲۰ هزار نفر شد، پاسخ ضعیف دولت منجر به پاسخ شگفت‌انگیز شهروندان شد. با گذشت زمان، این امر به جنبش‌های

اجتماعی با عمر طولانی‌تر منجر گردید و دولت تک حزبی را سرنگون کرد (Green, 2020). هماهنگی و سازگاری با شرایط و وضعیت بحران مرحله اول گام برداشتن به سمت حل مسأله و بحران خواهد بود. وضعیت بحرانی، موقعیت کم و بیش تاریکی برای دولتها، سیاستگذاران، تصمیم‌گیران و شهروندان است. بررسی شیوه مواجهه دولت‌ها و تصمیم‌گیران و شهروندان در چنین شرایطی راهگشای آینده است. برخی در این لحظه سرنوشت ساز، نظاره‌گر روند و بحران بوده‌اند، عده‌ای مسیر نادرستی را انتخاب کرده‌اند و الگوهای بسیار قابل تأملی از نقطه عطف در جهت بهبود وضعیت استفاده کرده‌اند. در این الگوها نقطه عطف یک چالش و تنگنا تصور شده است تا روش‌های جدیدی طراحی گردد و بازنگری و بازآفرینی در روش‌های پیشین صورت گیرد: «کنار آمدن موفقیت آمیز با فشارهای بیرونی یا درونی، مستلزم «تغییر گزینشی» است» (دایموند، ۱۳۹۹: ۱۸). بحران‌های دوگانه «رکود بزرگ» و «جنگ جهانی دوم» زمینه برای تأسیس دولت رفاهی مدرن را فراهم ساختند. همه‌گیری آنفلوانزا (سال ۱۹۱۸) به ایجاد نظام‌های سلامت ملی در بسیاری از کشورهای اروپایی کمک کرد (بیکر، ۱۳۹۹). آیا با شیوع کرونا، تغییرات گزینشی مسیر دولت‌ها و تصمیم‌گیران را تغییر خواهد داد؟

۳. کرونا و دوراهی انتخاب

با شیوع کووید ۱۹ به جهان جدید و متفاوتی پا گذاشته ایم. در بسیاری از حوزه‌ها می‌توان از جهان قبل و پس از کرونا صحبت کرد. با کرونا و ویروس، جهان در شرایط اضطراری، وضعیت خطرناک، ناپایدار و پیش‌بینی ناپذیری قرار گرفته است. همه‌گیری کووید ۱۹ بزرگترین بحران جهان در قرن حاضر و بزرگترین و فراگیرترین بحران است که از جنگ جهانی دوم تاکنون به وقوع پیوسته است. اپیدمی‌ها حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در سطوح مختلف فردی و اجتماعی و همچنین در سطح دولت و نظام بین‌الملل تحت تأثیر قرار می‌دهند.

اسنودن^۲ در کتاب «اپیدمی و جامعه: از طاعون سیاه تا امروز» بررسی می‌کند که چگونه شیوع بیماری منجر به سیاست‌گذاری‌ها، انقلاب‌های از میدان به در شده، سنگر

1. Selective change.

۲. استاد تاریخ و تاریخ پزشکی دانشگاه ییل.

بندی نژادی و تبعیض اقتصادی شده است. اپیدمی‌ها با تأثیر گذاشتن بر روی روابط شخصی، آثار هنرمندان و روشنفکران و محیط‌های طبیعی و انسانی جوامع را تغییر داده‌اند. از دید وی هیچ بخش عمده‌ای از زندگی بشر نیست که بیماری‌های اپیدمی عمیقاً بر آن اثر نداشته باشند (اسنودن، ۱۳۹۸: ۴۴ و ۴۷). شاید برای اولین بار است که تمام مردم و تصمیم‌گیران جهان هم‌زمان از یک چیز می‌هراسند و متمرکز به یک موضوع می‌باشند؛ کرونا پرسش‌های معماگونه در تمام قلمروهای معرفتی و گفتمانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مطرح ساخته است. بنابراین کرونا مسیرها و انتخاب‌ها را نیز دشوار ساخته است. کرونا داستان مناقشه‌های فکری و گفتمانی را گسترش داده است؛ مدافعان سنت بحران کرونا را به منزله پایان مدرنیته و آغاز ظهور ارزش‌های سنتی و دینی می‌دانند و مدرن‌گرایان نگرش‌های آخرالزمانی، خرافات‌گرایی و عقل‌ستیزی را به چالش کشیده‌اند (فاضلی، ۱۳۹۹: ۳۹).

کرونا در شیوه زمامداری و حکمرانی و سازماندهی جوامع و اداره امور نیز تغییراتی ایجاد کرده است. ویروس چندوجهی کرونا، حکمرانی را هم پیچیده و چندوجهی ساخته است؛ حکمرانی و اداره حوزه‌های مختلف بر اساس مواجهه و شیوه مدیریت کرونا به کارآمد و ناکارآمد تقسیم شده‌اند. کرونا معادله حکمرانی را تغییر داده است؛ «با کرونا، گونه تازه‌ای از حکومت‌گری به نام دموکراسی اپیستوکراتیک یا اقتدارگرایی اپیستوکراتیک در حال ریخت‌گرفتن است» (خلیلی، ۱۳۹۹ الف: ۷۴). زمانی خط مش رایج در سیاست، این بود که مداخله گسترده دولتی راه حلی عملی نیست و بهترین راه حل‌ها، راه حل‌های بازار محورند. اما با شیوع کرونا دولت‌ها طی چند روز تریلیاردها دلار خرج کردند. حتی تا جایی پیش رفتند که برای شهروندان چک فرستادند (بیکر، ۱۳۹۹). کرونا لیبرالیسم و این ایده که «بگذاریم بازار کار خودش را بکند» با چالش مواجه ساخته است. «دیگر نباید گذاشت نفع شخصی خیر همگانی را نادیده انگارد» (فیلیپسن، ۱۳۹۹).

با افزایش مسئولیت اجتماعی در وضعیت کرونا، شاهد کاهش اهمیت فایده‌گرایی و چالش محاسبه‌گری و نتیجه‌گرایی هستیم (عزیزی، آذر و دهقان نیری، ۱۳۹۹: ۱۸۴). بنابراین دوره کرونا و پساکرونا دوره بازگشت دولت به صحنه تصمیم‌گیری است. نقش

دولت‌ها در شرایط اضطراری اپیدمی افزایش پیدا می‌کند. «در زمان بحران [کرونا]، تمام جامعه - حتی آزادیخواهان - به دولت‌ها روی آوردند» (منون، ۱۳۹۹: ۳۸). با پررنگ شدن نقش حکومت و دولت، کشورها به داخل بیشتر توجه می‌کنند و بنابراین علاوه بر جابه جایی و تغییر قدرت، تغییراتی در الگوهای توسعه هم صورت می‌گیرد. روابط متقابل اعضای مثلث حکومت، بخش خصوصی و مصلحت عامه بار دیگر به کانون نظریه‌های توسعه یافتگی بازگشته است (سریع القلم، ۱۳۹۹: ۱۳).

کرونا تلنگر و شوک در حوزه‌های مختلف ایجاد کرد. زمینه برای نقد، باز اندیشی، بازنگری و بازآفرینی در حوزه‌های مختلف فراهم ساخت و این شرایط شک و تردید در تصمیم‌گیری و سیاستگذاری‌ها را بیشتر ساخت؛ هابرماس معتقد است: «ویروس کرونا آگاهی انسان را نسبت به نادانی خود افزود. هیچ‌گاه مردم به این روشنی ندیده بودند که تصمیم‌گیری سیاسی در شک و تردید و ندانستن انجام می‌شود. به باور هابرماس شاید این تجربه کم سابقه تأثیری بر آگاهی عمومی داشته باشد» (شریفی میلانی، ۱۳۹۹: ۱۶۵). هابرماس از شک و تردید و ندانستن در شرایط کرونا می‌گوید و در نهایت با نگاه مثبت از احتمال تأثیر آن بر آگاهی عمومی سخن گفته است. کرونا همچنین نشان داد که نظام سیاسی پاسخگوی شرایط بحرانی نیست؛ تعادل در سیستم سیاسی به هم خورد؛ نای معتقد است: «کووید ۱۹ نشان داد که ما قادر نیستیم راهبرد خود را با این جهان جدید متناسب کنیم» (نای، ۱۳۹۹: ۳۹).

بنابراین با کرونا در سر چند راهی و دوراهی تصمیم و انتخاب قرار گرفته‌ایم. انتخاب‌ها و تصمیماتی که نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آینده ما را شکل می‌دهند. نظام‌های مطلوب خویش را باید تصویرسازی کنیم و به سوی عملیاتی کردن آن گام برداریم: باید سریع و قاطع عمل کنیم ... باید پیامدهای بلندمدت کنش‌های خود را در نظر بگیریم. در هنگام انتخاب میان گزینه‌های بدیل، نه تنها باید از خود پرسیم که چطور می‌خواهیم بر این خطر حی و حاضر غلبه کنیم بلکه باید از خود پرسیم که دوست داریم پس از رفع بحران در چه نوع دنیایی زندگی کنیم (هراری، ۱۳۹۹). همچنین باید آگاه بود که تاریخ را برندگان و ویروس کرونا خواهند نوشت (آلن، ۱۳۹۹: ۴۰).

۴. بزنگاه‌های تاریخی؛ شمشیر دولبه

مفهوم بزنگاه (مقطع حساس، بزنگاه حیاتی، مقطع سرنوشت ساز، برهه‌های حساس) عنصری اساسی از نهادگرایی تاریخی است (Capoccia, Kelemen, 2007: 341). نهادگرایی تاریخی از شاخه‌های نهادگرایی جدید است. از ویژگی‌های این رویکرد جدید نهادی این است که زمینه مناسبی را برای مطالعه روابط بین نهادهای متکثر جامعه و تأثیر این روابط بر تحولات و دگرگونی‌های سیاسی فراهم می‌کند. در این رویکرد، رخداد‌های خاص واقعی، جدی گرفتن تاریخ و ردیابی فرایندهای تاریخی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (آزاد ارمکی و جنادله، ۱۳۹۳: ۳۳). مفهوم بزنگاه تاریخی و بزنگاه‌های مهم، دلالت بر مقاطع حساس، رخداد‌های خاص و فرایندهای تاریخی دارند. بزنگاه دوره‌های نسبتاً کوتاهی است که طی آن نقش انتخاب‌های کارگزاران بر نتیجه مطلوب به‌طور قابل توجهی افزایش می‌یابد (Capoccia, Kelemen, 2007: 348). در واقع بزنگاه، شرایط عدم اطمینان و عدم تعین است اما وضعیت امکان تصمیم‌گیری و لحظه تصمیم مهم توسط بازیگران و کارگزاران است تا مسیر آینده را تعیین کنند. مسیر آینده از درون این لحظه‌های انتخاب ترسیم می‌گردد. مسیر آینده و تحلیل مسیر توسعه و موفقیت‌ها و ناکامی‌ها تابعی از تصمیمات و انتخاب‌ها در این بزنگاه‌ها است. بزنگاه مهم، نقطه آغازین بسیاری از مسیرها هستند. لیپست و رکان ریشه‌های شکل‌گیری نظام‌های حزبی در اروپای غربی را بر اساس بزنگاه‌ها تحلیل می‌کنند (Capoccia, Kelemen, 2007: 342, 344). دایموند در کتاب «آشوب: نقاط عطف برای کشورهای بحران زده»، بزنگاه‌های مهم (نقاط عطف) را با تحلیل بحران‌های فردی تا بحران‌های ملی ترسیم می‌کند؛ آتش‌سوزی باغ نارگیل بوستون و شیوه مواجهه بازماندگان حریق در لحظات پس از واقعه و بررسی لحظات تصمیم‌گیری و انتخاب کشورهای فنلاند، ژاپن، شیلی، اندونزی، آلمان، استرالیا و امریکا نقش بزنگاه‌های مهم را برجسته می‌سازد؛ کنار آمدن موفقیت‌آمیز با فشارهای بیرونی و درونی مستلزم تغییر‌گزینی است. از دید وی این واقعت در مورد کشورها نیز همچون افراد صادق است (دایموند، ۱۳۹۹).

بزنگاه شمشیر دو لبه است؛ تمجید از بزنگاه‌ها و تأمل در بزنگاه‌ها در پیوند با توسعه به معنای آن نیست که هر بحران، فاجعه و چالش منجر به طراحی روش‌های جدید و مسیر مثبت خواهد شد. مطالعه تاریخ فراز و فرود جوامع و دولت‌ها مملو از بزنگاه‌هایی است که موفقیت‌ها و ناکامی‌های گزینش در لحظه حساس (بزنگاه) را آشکار می‌سازد. طاعون خیارکی یا مرگ سیاه (سال ۱۳۴۶) در اروپای غربی به الغای فئودالیسم انجامید و در اروپای شرقی موجب ظهور سرواژ ثانویه شد؛ بزنگاه راه در هم شکستن نهادهای بهره‌کش و ظهور نهادهای فراگیرتر را در انگلستان هموار کرد و ظهور نهادهای بهره‌کش و بردگی ثانویه در اروپای شرقی را شدت بخشید (عجم‌اغلو، رابینسون، ۱۳۹۴: ۱۳۷ و ۱۴۶). بنابراین بزنگاه‌ها در کشورهای مختلف واکنش‌ها و انتخاب‌های مختلف و متفاوتی را به همراه دارد و این میراث متمایزی را برای کشورها و جوامع به یادگار می‌گذارد. انتخاب هر گزینه، مسیر تاریخی را در جهت خاصی هدایت خواهد کرد و انتخاب‌های بعدی را محدود می‌کند (آزادارمکی، جنادله، ۱۳۹۳: ۳۵).

شیوه مواجهه متفاوت و انتخاب متفاوت ژاپن و چین در بزنگاه تاریخی، مسیر متفاوتی را برای این دو کشور رقم زد. تفاوت نهادی کوچک میان چین و ژاپن در گیرودار بزنگاه‌های تاریخی ورود انگلیسی‌ها (به چین) و امریکایی‌ها (به ژاپن)، پیامدهای مهمی داشت. چین بعد از جنگ‌های تریاک به مسیر مطلقه خودش ادامه داد در حالی که تهدید امریکا مخالفت با حکومت توکوگاوا را در ژاپن تحکیم کرد و منجر به انقلاب سیاسی و احیای حکومت میجی شد. ... نحوه مواجهه بوتسوانایی‌ها با بزنگاه تاریخی که استقلال از حکومت استعماری برای آنها فراهم آورد، بنیادهایی را برای موفقیت اقتصادی و سیاسی این کشور فراهم ساخت (عجم‌اغلو، رابینسون، ۱۳۹۴: ۱۵۴ و ۱۵۶).

بزنگاه‌ها نمایانگر وضعیت بحرانی، چالشی و شرایط تنگنا هستند؛ چنین وضعیت و شرایطی نیازمند بازنگری، طراحی جدید، بازاندیشی و بازسازی است. در بازاندیشی و بازسازی تحلیل قوت و ضعف، معطوف به وضعیت مطلوب است. بنابراین می‌توان آغاز دگردیسی، نقطه عطف و بزنگاه باشد؛ تغییرات گزینشی مسیر آینده را مشخص می‌کند و نمونه‌های فوق استفاده مطلوب از بزنگاه‌ها را نشان داد. آیا کووید ۱۹ مانند

طاعون خیارکی ۱۳۴۶ جهان جدیدی را برای برخی از کشورها، سیاستگذاران و تصمیم گیران ایجاد می کند؟ کشاکشها، بازاندیشی و بازسازی بزنگاه کرونا و پسا کرونا چه مسیری را برای آینده کشورها ترسیم می کند؟ کرونا می تواند واقعه بزنگاهی باشد؟

۵. کرونا واقعه بزنگاهی

طاعون خیارکی چگونه جهان جدیدی را ایجاد کرد و چگونه انگلستان را صنعتی کرد؟ طاعون خیارکی از چین توسط تجار مسافر در طول جاده ابریشم به جنوا (ایتالیا) رسید. به سرعت اروپا را فرگرفت؛ طاعون برای انگلیس بزنگاه تاریخی جهت تغییر مسیر از کشاورزی به صنعتی بود. این بزنگاه تاریخی توازن قدرت مستقر را برهم زد و تأثیر متفاوتی بر کشورها گذاشت و راههای متفاوتی پیش پای کشورها قرار داد؛ انگلیس از این بزنگاه استفاده کرد.

آیا کووید ۱۹ هم که به مانند طاعون خیارکی از چین به شیوه همگیری شیوع یافت، می تواند واقعه بزنگاهی باشد؟ آیا کرونا بزنگاه آغاز گمانه زنی و تامل در الگوها، مسیرها، روندها و خروج از بن بست است؟، برای پاسخ به این پرسش، کرونا را در قالب دو محور تشریح می کنیم؛ ۱. شوک، بازسازی، اصلاح و تغییر. ۲. الگوها و روندهای توسعه.

۵-۱. کرونا و شوک، بازسازی، اصلاح و تغییر

با شیوع کووید ۱۹ جهان دچار ترس و شوک شد. تکان شدید، ترس، بی نظمی، شوک و تلنگر، عامل تسریع کننده حرکت و اقدام است. همان گونه که شکنجه، سختی زندان و بازجویی، زندانی را منعطف می سازد، شوک شیوع و آمار مرگ و میر کووید ۱۹ جامعه و ساختار سیاسی را سست و منعطف می کند. جامعه و دولت شوکه شده همانند زندانی شکنجه شده ای که عهد و باور را زیر پا می گذارد، آماده بازسازی، اصلاح و تغییر است. در شرایط شیوع کووید «ما همگی در یک قایق واحد هستیم». ... «اگر ما

شروع به تغییر رفتار خود نکنیم ممکن است همگی نهایتاً به کشتی «دایموند پرنس»^۱ برسیم!» (ژیژیک، ۱۳۹۸: ۷۶ و ۷۹).

در اقتصاد هم شوک و تلنگر به عنوان لحظات انعطاف و برای ترک رویه‌های نادرست و گام نهادن در مسیر جدید در نظر گرفته می‌شود: سرعت، ناگهانی بودن و گستره دگرگونی اقتصادی واکنش‌های روانی را میان مردم برخواهد انگیزت که تعدیلات اقتصادی را تسهیل می‌کند. شوک درمانی اقتصادی که در دهه ۱۹۷۰ در شیلی اجرا شد: شوکی که روش‌های دموکراتیک را موقتاً به حالت تعلیق در آورد و یا آنها را کاملاً متوقف کرد (کلاین، ۱۳۹۴: ۲۰ و ۳۶).

در وضعیت شوک کرونایی، تمایل به همبستگی جهانی و شفقت و مهربانی افزایش می‌یابد (فاضلی، ۱۳۹۹: ۲۷؛ ژیزیک، ۱۳۹۸: ۷۵). همبستگی، کاهش تعصبات، مهربانی و انعطاف می‌تواند مبنای اجماع و انتخاب راهبردهای جدید باشد. تا همبستگی، وحدت و اجماع نظر درباره محورهای اصلی صورت نگیرد، امکان توسعه فراهم نمی‌گردد؛ کووید ۱۹ بزنگاه اجماع، جهش و توسعه است. «کرونا ممکن است آن واقعه بزنگاهی باشد که می‌تواند با شوک‌های پی در پی خود در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، که به تدریج ظاهر خواهند شد، ما را از بن بست‌ها و فروبستگی‌های جاری بیرون ببرد» (رنانی، ۱۳۹۹). شوک کرونایی زمینه‌بازسازی، اصلاح و تغییر و در نهایت وحدت و اجماع را در بزنگاه تاریخی فراهم ساخت.

۲-۵. کرونا و الگوها و روندهای توسعه
محور دوم در زمینه کووید و واقعه بزنگاهی، الگوها و روندهای توسعه است. در تبیینی کلی از عوامل توسعه، عوامل توسعه را می‌توان به عوامل و زمینه‌های داخلی و خارجی تقسیم کرد. در این پژوهش تاکید بر این است که کووید ۱۹ به عنوان یک واقعه بزنگاهی در تعیین تکلیف و انتخاب مسیر نهایی عوامل و زمینه‌های داخلی و خارجی نقش ایفا می‌کند.

۱. یک کشتی تفریحی که در همه گیری کرونا برای مدت حدود یک ماه قرنطینه شد و بزرگترین شیوع ویروس کرونا در خارج از چین در ابتدای شیوع، در این کشتی تفریحی رخ داد.

کرونا در عوامل و زمینه‌های داخلی توسعه به عنوان واقعه بزنگاهی مسیر توسعه را تعیین می‌کند. این نقش‌آفرینی در محورهای زیر قابل تلخیص است:

- دولت توسعه خواه و بزنگاه کرونا: از دید ایوانز، بدون دولت توسعه خواه، توسعه-ای وجود ندارد (موتقی و کاهه، ۱۳۹۴: ۹۷۱). ایده بنیادین، ویژگی و شاخص دولت توسعه خواه، مطلوبیت دخالت دولت در فرایند توسعه است. در دوره همه‌گیری کرونا شاهد بازگشت به ناسیونالیسم و دولت‌گرایی و گذار نسبی از جهانی شدن هستیم. این به معنای پایان جهانی شدن نیست بلکه در شرایط بحرانی ناشی از پاندمی کرونا تمرکز کشورها و سیاستگذاری‌ها بر داخل و دولت‌ها بیشتر شده است. در پساکرونا شاهد بازگشت قدرت دولتها در داخل هستیم. «همه‌گیری ویروس کرونا سیاست ما را تغییر می‌دهد. در زمان بحران، تمام جامعه (حتی آزادی خواهان) به دولت‌ها روی آوردند» (منون، ۱۳۹۹: ۳۸). در برخی کشورها با اعلام شرایط فوق‌العاده و وضعیت اضطراری، بدون تشریفات و بوروکراسی بسیاری از اقداماتی که یا در اولویت بررسی قرار نمی‌گرفت و یا به دلیل موانع متعدد اجرا نمی‌شد یا کند و در بازه بلندمدت امکان اجرا داشت با نمایش اراده دولتها به پیش رفت. حل مشکل بی‌خانمان‌ها و سرعت عمل در حل این معضل در انگلیس، استرالیا، فرانسه و بخش‌هایی از آمریکا، بیانگر این است که دشوارترین معضلات با اراده و قدرت دولتها قابلیت حل و فصل دارند. مهمترین پیامد کرونا این خواهد بود که نظام سیاسی ما را از «وضعیت تعلیق» بیرون خواهد آورد. یعنی او را بر سر «دو راهی تصمیم» قرار خواهد داد و این می‌تواند یکی از مهمترین پیامدهای مثبت احتمالی کرونا برای جامعه ما باشد (رنانی، ۱۳۹۹). بنابراین کرونا می‌تواند واقعه بزنگاهی باشد و آینده کشورها به انتخاب آنها در این شرایط بزنگاهی وابسته است؛ ممکن است کشوری از اقتدار دولت در جهت دیکتاتوری و جنبه‌های منفی گام بردارد اما گام برداشتن بر اساس ایده بنیادی دولت توسعه خواه مسیر امیدوارکننده‌ای را برای کشورهای بحران زده رقم خواهد زد.

- حکمرانی خوب و بزنگاه کرونا: نظریه حکمرانی خوب با شاخص‌هایی چون مشارکت، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، کارایی و اثربخشی، اجماع محوری، حاکمیت قانون، برابری و عدالت و پاسخگویی تعریف می‌شود. کووید-۱۹ در برخی از این

شاخص‌ها به‌عنوان واقعه بزنگاهی می‌تواند مسیر حکمرانی را به سمت حکمرانی خوب سوق دهد. خود مراقبتی، توجه به حقوق دیگران، در خانه ماندن، رعایت پروتکل‌ها و انجام وظیفه در خطرناک‌ترین مکان‌ها و موقعیت‌ها از سوی شهروندان، حساس و مسئول بودن دولتمردان و نهادهای حکومتی نسبت به خواست‌ها، نیازها و انتظارات شهروندان، بزنگاه مسئولیت‌پذیری و انتخاب حکمرانی خوب در سایر زمینه‌ها است.

کووید ۱۹ معیاری برای سنجش اثربخشی و کارآمدی دولت‌ها است. کارآمدی در وضعیت اضطراری کرونایی، بستگی به میزان غلبه و شکست کرونا دارد. حکمرانانی که در بزنگاه کرونایی از طریق کاهش مرگ و میر و اداره و مدیریت اقتصادی و تولید و توزیع واکسن موفق عمل می‌کنند، اعتبار اقدام و تصمیم‌گیری در حوزه‌های تعلیقی، چالشی و دارای سنگ موانع را کسب می‌کنند.

اهمیت همه‌گیری و همه‌درگیری کرونا لزوم شفافیت و پاسخگویی را گوشزد می‌کند. حکمرانان در شرایط حساس شدن شاخک‌های نظارتی مردم به‌دلیل شرایط بحرانی حتی گاه برخلاف میل باطنی حضور شهروندان را فعال‌تر و مؤثرتر می‌دانند و از طرفی، شهروندان نیز تحت فشار وضعیت بحرانی انتظار شفافیت و پاسخگویی بیشتر دارند؛ استفاده از این شرایط و تداوم انتخاب این شرایط بزنگاه حکمرانی خوب است.

کرونا فرصت بازسازی حکمرانی‌ها برای ارتقای خدمات عادلانه و بدون تبعیض به شهروندان است. تاکید بر محدودیت‌های برابر، فرصت‌ها و امکانات برابر و انتظار برخوردار از واکسن و سایر خدمات برابر (از لحاظ فقیر و غنی، پسر و جوان) بزنگاه حکمرانی خوب با شاخص عدالت و انصاف است.

کرونا می‌تواند زمینه اجماع ملی را فراهم کند. «درک و فهم عمیق جامعه از جدی بودن بحران» از زمینه‌های اجماع است (سریع‌القلم، ۱۳۸۱: ۱۳۷). تصمیم‌گیران و دولتمردان می‌توانند از بحران کرونا به‌عنوان فرصتی برای وحدت ملی و اجماع ملی استفاده کنند. اجماع‌نخبگان، گروه‌ها و شهروندان بر سر وجود بحران کرونا می‌توانند بزنگاه اجماع ملی به‌عنوان پایه توسعه و از شاخص‌های حکمرانی خوب باشد.

- الگوی نوسازی و علم‌گرایی و بزنگاه کرونا: صرف‌نظر از انتقادهای برگوی نوسازی قدیم و تفکیک نوسازی جدید و قدیم، توجه به پیشرفت و نوسازی، بازسازی

و اصلاح سنتها و رویه‌های نامطلوب، تاکید بر درون(داخل)، انعطاف پذیری و تعامل با جهان، تخصص گرایی، علم محوری، عقلانیت باوری و حمایت از نوآوری از مهمترین مختصات الگوی نوسازی به شمار می آیند. کرونا تلنگر و نقطه عطفی جهت توجه و در اولویت قرار دادن این مختصات است. «کووید ۱۹ ممکن است فرصتی برای پیشرفت سیاسی فراهم کند» ... «اکنون برخلاف گذشته امکان تغییر وجود دارد. این نوعی فرصت است» (بیکر، ۱۳۹۹). کرونا گسست تاریخی ایجاد کرده است و عصر جدیدی شکل گرفته است؛ عصری که بسیاری از سنت‌های نادرست و فرهنگ‌های غلط را تغییر خواهد داد؛ عبور از برخی سنت‌ها برای سلامتی خود و دیگران یعنی هماهنگی با الگوی نوسازی.

- ارائه نگاه جدید به دین، تغییر برخی کارکردها، مناسک و شعائر آن در چارچوب مکتب نوسازی قابل تبیین است. هنگام مواجهه جامعه با بحرانی نظیر کرونا، مردم و تصمیم گیران شوک بزرگی را تجربه می کنند که در این شرایط اجماع و هم دلی جهت واکنش سریع در زمینه اصلاح وضعیت بحرانی فراهم می گردد؛ کرونا بزنگاه اصلاح و نوسازی است.

علم باوری در دوره شیوع کرونا رواج عامتر یافته است. پیگیری اطلاعات علمی در خصوص کووید ۱۹، تولید و ارج نهادن به تخصص (در حوزه سلامت) و پیوند سلامت و رفا با علم و دانش بیانگر مقبولیت علم و گسترش عقلانیت در جامعه است. کرونا در کنار توجه به داخل و درون کشورها، انعطاف‌پذیری در موضوعات و حوزه‌های مختلف را نیز به همراه داشته است. دایموند انعطاف‌پذیری را یکی از راه‌های عبور از بحران ذکر می کند. «سفت و سخت چسبیدن به ارزش‌های کانونی در حالی که آن ارزش‌ها ظاهراً در شرایط تغییر یافته، غلط به نظر می رسند، ممکن است شخص را از حل کردن بحران باز بدارد» (دایموند، ۱۳۹۹: ۶۹). عدم انعطاف و تصلب، غرور بی جا و خودستایی زمینه تشدید بحران را فراهم می سازد. وضعیت بحران، شوک و تنگنا، لحظات انعطاف و ترک مواضع سخت و متصلب و گاه تعلیق قوانین است؛ بنابراین کرونا لحظه سرنوشت ساز انعطاف ساختاری، تغییر جهان بینی‌ها و ایدئولوژی‌های سرسخت و تعامل با دیگری است.

کووید ۱۹ چالش‌هایی در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف ایجاد و روند زندگی و اقتصاد را مختل کرد. وضعیت موصوف فرصت نوآوری و ابتکار است. الزام و محدودیت در پاسخ به همه‌گیری ویروس کرونا منشا خلاقیت و ابتکار بوده است و سبب ساز تحقق بسیاری از نوآوری‌ها شده است (نعیمی و معینی، ۱۳۹۹: ۴۶). نوآوری صرفه جویانه به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه در شرایط کرونا رویکرد موفقیت آمیزی بوده است.

نوآوری از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی است. بزنگاه کرونا، لحظه ترک روش‌های سنتی و قدیمی و فرصت نوآوری در محصولات و نوآوری در فرایندها است. در شرایط همه‌گیری کووید ۱۹ به دلیل غلبه شوک همگانی و همراهی و همدلی بیشتر، زمینه «تخریب خلاق» فراهم تر است؛ نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها معمولاً هراس دارندگان انحصار و خودکامگان را به همراه دارد و «خودکامگان از بیم جاماندن از رقابت و از کف دادن منافع انحصاری خود با «تخریب خلاق» مخالفت می‌کنند» (اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۴: ۱۷). اما بزنگاه کرونا فرصتی برای اصلاحات، نوسازی و نوآوری است و مخالفان تخریب خلاق را در زمینه‌هایی محدود می‌سازد.

- توسعه پایدار و بزنگاه کرونا: توسعه پایدار در درون توسعه انسانی و با فرا رفتن از ابعاد اقتصادی و تاکید بر بهداشت، کاهش آلودگی، آموزش و افزایش کیفیت زندگی تعریف می‌شود. توسعه پایدار به نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن نسل‌های آینده توجه دارد. در خانه ماندن و سفر نکردن، مصرف کمتر سوخت‌های فسیلی موقتا حفظ محیط زیست را در برخواهد داشت. همه‌گیری کرونا تمرکز بیشتر بر سلامت و بهداشت را به همراه داشته است.

- سلامت به عنوان محور توسعه پایدار و اساس تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های دوره کرونا است؛ کرونا فرصتی برای بازاندیشی در زمینه سلامت، بهداشت و تمرکز بر محیط زیست و کیفیت زندگی است.

علاوه بر موارد فوق بزنگاه کرونا، فرصتی برای حفظ و تقویت اعتماد عمومی و گسترش سرمایه اجتماعی است؛ می‌تواند نقطه عطفی برای رفع یا کاهش تضاد دولت و

ملت‌ها باشد. کرونا همچنین می‌تواند فرصتی برای گام برداشتن به سمت دولت الکترونیکی، کوچک و چالاک سازی ساختارهای اداری و کاهش بوروکراسی زائد باشد. کرونا به‌عنوان واقعه بزنگاهی در حوزه خارجی و نظام بین‌الملل نیز می‌تواند آینده توسعه کشورها را رقم زند:

- جابه‌جایی قدرت و تغییر الگوهای روابط کشورها و بزنگاه کرونا: با کرونا زمینه‌های شکل‌گیری هندسه جدید قدرت و تغییر چینش قدرت در عرصه بین‌الملل قابل مشاهده است. این که با کرونا شاهد تسریع انتقال قدرت از غرب به شرق و شکل‌گیری مرحله پس‌اگرایی هستیم.

نیاز به گذشت زمان بیشتر و تعمق در تحولات پساکرونا است اما به احتمال زیاد می‌توان از دورشدن جهانی سازی امریکا و تضعیف امریکا محوری و اروپا محوری صحبت کرد. اگر تردید در شکل‌گیری نظم جدید جهانی و جهانی سازی چین محور داشته باشیم اما به احتمال زیاد می‌توان از تضعیف نظم و قطب بندی پیشین قدرت و قدرت‌گیری بیش از پیش چین سخن گفت. با شیوع کرونا الگوی همکاری و رقابت، الگوی دوستی و دشمنی نیز کم و بیش تغییر کرده است. همکاری کشورهای اروپا در داخل اتحادیه اروپا و الگوی همکاری بین امریکا و اروپا تضعیف شد. گرچه دگرگونی همکاری و رقابت و دوستی و دشمنی در سطح قدرت‌های بزرگ تا حدودی تضعیف شد اما به نظر می‌رسد شاهد افزایش اهمیت منطقه‌گرایی و کاهش تنش‌های منطقه‌ای هستیم. وضعیت اضطراری کرونا فرصتی برای همکاری و تغییر روابط کشورهای همسایه و گام برداشتن به سمت منطقه‌گرایی جدید است. بنابراین کرونا بزنگاه تغییر الگوهای رقابت و همکاری است: بزنگاه دگردیسی الگوهای دشمنی و دوستی است. شرایط بحرانی و اضطرار بزنگاه کنار گذاشتن اختلافات و عدول ایدئولوژیک است.

شرایط اضطراری بین‌المللی، انعطاف‌پذیری کشورها در مواجهه با هم را در پی داشته است. در موقعیت بحرانی و اضطراری کرونا و با شکل‌گیری مناسبات جدید انسانی، اجماع و هم‌دلی، همبستگی و شفقت، بزنگاه تنش زدایی و توسعه روابط کشورها، روند آینده آنها را ترسیم می‌کند.

- لزوم همکاری‌های فنی و تخصصی در حوزه علمی و پزشکی و بزنگاه کرونا: شرایط اضطراری و بحرانی کرونا از یک سو سلامت کشورها را در اولویت سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌گیری قرار داده است و از سوی دیگر گام برداشتن در جهت مهار یا کاهش شیوع کرونا و تولید واکسن، زمینه‌ساز ارتقا و تقویت جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل است. شاخص کارآمدی و ارتقاء جایگاه قدرت در نظام بین‌الملل با تولید واکسن پیوند خورده است؛ طرح دیپلماسی واکسن در این راستا قابل تبیین است.

۶. ایران و بزنگاه پسا کرونا

شیوع کرونا و وقوع بحران در ایران بستر تغییر در اندیشه‌ها، رویکردها، عملکردها و رفتارها در حوزه داخلی و خارجی فراهم ساخت. شوک تجدیدنظر، بازاندیشی، بازسازی، اصلاح و تغییر را ضروری ساخت. با شیوع کرونا دکمه دور تند تاریخ فعال شد؛ تغییراتی که سال‌ها با سنگ مواج، تردید و مخالفت‌ها مواجه بودند، یک شبه امکان پذیر شد. پرسش‌ها و تعارضات مختلف در زمینه داخلی و خارجی برای اندیشه و رزان و تصمیم‌گیران مطرح گردید. به باور برخی بحران کرونا الگوهای حکمرانی را در ایران تغییر داد و در مقابل عده‌ای به تغییرات موردی حکمرانی در شرایط خاص کرونایی اشاره دارند (قدیری نوفرست و سینایی، ۱۴۰۰: ۷). فراگیر شدن انتظار مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، کارآمدی و شفافیت در شرایط بحران ناشی از کرونا بخشی از تغییر به سمت حکمرانی خوب است. توسعه حکمرانی هوشمند، تغییر در نظام آموزشی و فراگیری آموزش مجازی بخشی از تغییر رویکردها در شرایط بحرانی است.

در زمینه الگوهای نوسازی، رویکردهای نوگرایانه و علم‌گرایی، طرح بحث چالش دین در مقابل علم، انعطاف‌پذیری رویکردها و دیدگاه‌ها و طرح دیدگاه‌هایی چون افول و کاهش دین‌داری، عقلانی‌شدن دینداری، تضعیف مؤلفه‌هایی از دینداری که رنگ و بوی خرافاتی داشتند، نوعی بازاندیشی و تأمل در سطح جامعه و سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در خصوص نوع رابطه دین و علم در شرایط بحران کرونا را در پی داشت. در حوزه نظام بین‌الملل اگر قرار باشد سیاست خارجی ایران در عصر کرونا را توصیف کنیم، دیپلماسی سلامت بیانگر بخش عمده‌ای از رفتارهای دیپلماتیک ایران در

عصر کرونا است. دیپلماسی سلامت به عنوان راهی برای کاستن از شدت تحریم‌ها، تسهیل دستیابی به تجهیزات پزشکی، تقویت همکاری با سازمان بهداشت جهانی پیگیری شد (باقری دولت آبادی و شفیع سیف آبادی، ۱۳۹۹: ۸). تاکید بر همبستگی بین‌المللی و تاکید بر تنش زدایی بخشی از سیاست خارجی ایران در شرایط کرونا بود که با توجه به شرایط بحران کرونا طرح گردید. آشکار است که در شرایط بزنگاهی کرونا می‌توان همچون درس‌گیری تایوان با استفاده از تعریف شرایط بحرانی اقدامات عملی تر و مثبت‌تری در حوزه توسعه داخلی و تعامل سازنده تر و واقع‌گرایانه با نظام بین‌الملل رقم زد.

نتیجه‌گیری

کرونا به مسأله فراگیر و جهانی و به موضوع گفتگو، بررسی و دغدغه مردم، سیاستمداران و پژوهشگران در سراسر جهان تبدیل شده است. تفاوت این پژوهش با بررسی‌ها و تاملات دیگر در زمینه کرونا، پرداختن به فرصت‌هایی است که مسئله کرونا می‌تواند در کنار سایر عوامل در روند و مسیر آینده تصمیمات، سیاست‌گذاری‌ها و الگوهای حکمرانی فراهم سازد. بنابراین مکتوب حاضر با اهدافی چون بررسی نقش واقعه کرونا در تغییر و توسعه و بررسی نقش کرونا به عنوان مکمل و بزنگاه توسعه و چگونگی ایفا کردن نقش در تعیین مسیر آینده حکمرانی پیگیری شد. به منظور تبیین نقش بزنگاهی کرونا، مسأله و بحران کرونا در ذیل مبحث بحران و فرصت‌هایی که بحران‌ها در شرایط دشوار تصمیم‌گیری فراهم می‌سازد، تحلیل گردید. با توصیف تاریخی و تبیین شواهدی که بحران‌ها و ویروس‌های همه‌گیر، دو راهی و بزنگاه‌هایی خلق کرده‌اند، از دوراهی‌ها و چندراهی‌هایی که کرونا در موقعیت بحرانی فعلی ایجاد کرده‌اند، نمونه‌هایی واری گردید.

کرونا به مثابه واقعه بزنگاهی فرصت مجدد جهت تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی و با توجه به وضعیت اضطراری است. در شرایط بحرانی و اضطراری، بسیاری از ملاحظات فسادگونه، ایدئولوژیک و غیرعقلایی برجسته می‌گردند. در این شرایط امکان انتخاب تصمیم دشوار، امکان تصمیم قاطع و بدون در نظر گرفتن ملاحظات شرایط

عادی فرا می‌رسد؛ لحظات انعطاف و در عین حال تسریع در اقدام و تصمیم‌گیری فرصت، نقطه عطف و بزنگاه سیاستمداران و تصمیم‌گیران است تا الگوهای توسعه متناسب با مقتضیات فرهنگی و تاریخی جامعه خویش را عملیاتی کنند؛ الگوهای برون‌گرا و درون‌گرا که در وضعیت عادی و تحت الزامات محافظه‌کارانه، انحصارطلبانه و روزمرگی با سنگ‌موانع مواجه شده‌اند و یا روند کندی را به خود گرفته‌اند، در این لحظه بزنگاه قابلیت توصیف و تحلیل از جنبه دیگر را هم پیدا می‌کنند و اکنون زمان بازاندیشی و اصلاح و لزوم گرفتن تصمیم دشوار و قاطع جهت اجرایی کردن الگوهاست.

توجه به ویژگی‌های دولت توسعه‌خواه، اجرایی کردن شاخص‌های حکمرانی خوب، توجه به الگوهای نوسازی و علم‌گرایی، فراهم‌سازی زمینه تخریب خلاق و گام برداشتن به سمت توسعه پایدار و توسعه انسانی، بزنگاه بحران کرونا است. تلنگر و شوک کرونا زمینه برهم‌زدن وضعیت محافظه‌کارانه، الزامات مصلحت‌جویانه، تفکر انحصارطلبانه و روزمرگی پیشاکرونا را نیز فراهم ساخته است. بنابراین لحظه بازاندیشی و تصمیم‌دشوار در سیاست داخلی و خارجی فرا رسیده است. دگرگونی الگوهای همکاری‌ها، رقابت‌ها و دشمنی‌ها و دگردیسی چارچوب‌های قدرت از یک سو و الزامات همکاری‌های فنی، علمی و پزشکی در کنار شکل‌گیری رقابت در مهار و کاهش شیوع کرونا و تولید واکسن از سوی دیگر، موقعیت بزنگاهی کرونا را آشکار می‌سازد. مطالعه روند و مسیر کشورها و تصمیمات در دوره پسا‌کرونا تبیین‌کننده انتخاب‌های بزنگاه است. آیا موفقیت‌ها و شکست‌های کشورها در دوره پسا‌کرونا آزمونی برای بررسی نقش کرونا به مثابه بزنگاه و آزمونی برای انتخاب استراتژی‌ها در شرایط بحرانی است؟ آیا در دوره پسا‌کرونا در ادبیات توسعه به نقش بزنگاهی کرونا در توسعه و توسعه نیافتگی همانند نقش طاعون‌خیزکی و واقعه بزنگاهی آن در روند توسعه و عدم توسعه اروپای غربی و شرقی تأکید می‌گردد؟ این پژوهش مسأله و بحران کرونا را نه به‌عنوان عامل و مانع توسعه بلکه به‌عنوان مکمل الگوهای درون‌گرا و برون‌گرا و تسریع‌کننده فرایندها و الگوها و به‌عنوان بزنگاه می‌نگرد؛ واژه بزنگاه مبین آن است که مسئله کرونا می‌تواند تکلیف دوراهی‌ها، رکودها و کندی‌ها را یکسره کند.

منابع

اسنودن، فرانک (۱۳۹۸)، «چگونه بیماری‌های عالم گیر تاریخ را تغییر می دهد»، ترجمه شیرین کریمی، فصلنامه نقد اقتصاد سیاسی، شماره ۱۳، صص ۴۳-۵۹.
آریانپور کاشانی، منوچهر (۱۳۸۱)، فرهنگ پیشرو آریان پور انگلیسی- فارسی، تهران: جهان رایانه.

آزادارمکی، تقی و جنادله، علی (۱۳۹۳)، «بیکربندی نهادی مبتنی بر موازنه قدرت در جامعه سنتی ایران (بازخوانی تحولات ایران از صفویه تا قاجاریه بر اساس رویکرد نهادگرایی تاریخی)»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پانزدهم، شماره ۳، صص ۲۹-۶۴.

آلن، جان (۱۳۹۹)، «برندگان، تاریخ کووید را می‌نویسند»، در آرا و نظرات اندیشمندان و صاحب‌نظران جهانی در خصوص دنیای پسا کرونا، مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست جمهوری.

باقری دولت آبادی، علی و شفیع سیف آبادی، محسن (۱۳۹۹)، «سیاست خارجی ایران در عصر کرونا؛ از دیپلماسی سلامت تا دیپلماسی رسانه‌ای»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲، صص ۷-۴۶.

بشیر، حسن (۱۳۸۷)، «رسانه‌ها و معناشناسی بحران»، پژوهش‌های ارتباطی، دوره ۱۵، شماره ۵۵، صص ۹-۲۹.

بیداله خانی، آرش (۱۳۹۹)، «ساخت‌بندی و افتراق حوزه پولیتیک از پالیسی؛ تایوان و سازوکارهای کنترل و مدیریت بحران پاندمیک بیماری کووید ۱۹»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۳، صص ۹-۳۱.

بیکر، پیترسی (۱۳۹۹)، «ویروس کرونا چطور دنیا را تغییر خواهد داد؟» ترجمه عرفان ثابتی در: WWW.aasoo.org/fa/articles/2762.

خلیلی، محسن (۱۳۹۹ الف)، «بازی تاج و تخت کرونا: آموزه‌ای برای سیاست‌ورزی ایرانی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۵، شماره دوم، بهار، صص ۷۳-۱۱۸.

خلیلی، محسن (۱۳۹۹ب)، «بزنگاه کرونا: وستفالیای نوین بین‌المللی»، **مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی**، شماره ۴۷، صص ۱-۲۴.

دایموند، جرد (۱۳۹۹)، **آشوب: نقاط عطف برای کشورهای بحران زده**، ترجمه اصلان قودجانی، تهران: طرح نو.

رنانی، محسن (۱۳۹۹)، «کرونا و توسعه: کلاس ملی قماربازی»، در سایت:

[Http://Renani.net/index.php/texts/notes/797-2020-05-15-10-52-36](http://Renani.net/index.php/texts/notes/797-2020-05-15-10-52-36).

ژیژک، اسلاوی (۱۳۹۸)، «بیل را بکش! ویروس کرونا و ضرورت تجدید حیات کمونیسم»، ترجمه آزاده شعبانی، **فصلنامه نقد اقتصاد سیاسی**، شماره سیزدهم، صص ۷۳-۷۹.

سریع القلم، محمود (۱۳۸۱)، **عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران**، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

سریع القلم، محمود (۱۳۹۹)، «کرونا و توسعه یافتگی: اثرات و پی آمدها»:

[Http://irdiplomacy.ir/fa/news/1994224](http://irdiplomacy.ir/fa/news/1994224).

شریفی میلانی، هامون (۱۳۹۹)، «تاثیر کرونا بر صنعت نشر کتاب»، در **کتاب (مجموعه مقالات)**، **کرونا و جامعه ایران**، سلگی، محمد، مطلبی، داریوش و غلامی پور، اسماعیل، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، صص ۱۵۱-۱۶۵.

عجم اوغلو، دارون، رایبسون، جیمز ای (۱۳۹۴)، **چرا کشورها شکست می‌خورند: سرچشمه‌های قدرت، فقر و غنای کشورها**، ترجمه پویا جبل عاملی و محمد رضا فرهادی پور، چاپ پنجم، تهران: دنیای اقتصاد.

عزیزی، مهدی، آذر، عادل، دهقان نیری، محمود (۱۳۹۹)، «تصمیم‌گیری مشارکتی در دوران پسا کرونا»، **پژوهش‌های نوین در تصمیم‌گیری**، دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۶۵-۱۹۲.

فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۹)، «مردم‌نگاری کرونای ایرانی»، در **کتاب (مجموعه مقالات)**، **کرونا و جامعه ایران**، سلگی، محمد، مطلبی، داریوش و غلامی پور، اسماعیل، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، صص ۲۵-۴۳.

فیلیپس، درک (۱۳۹۹)، «دیگر نباید گذاشت نفع شخصی خیر همگانی را نادیده انگارد»، ترجمه افسانه دادگر در: WWW.aasoo.org/fa/articles/2863.

قدیری نوفرست، علی و سینایی، وحید (۱۴۰۰)، «بحران کرونا؛ تغییر یا تداوم الگوهای حکمرانی در دولت جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۷-۲۶.

کلاین، نائومی (۱۳۹۴)، دکترین شوک: ظهور سرمایه داری فاجعه، ترجمه خلیل شهابی و میرمحمد نبوی، تهران: اختران.

محمد شفیع، محمدرضا و محمد شفیع، امیرحسین (۱۳۹۴)، «بحران و راهکارهای مدیریتی آن»، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، ترکیه-استانبول.

منون، شیوشانکار (۱۳۹۹)، «همه‌گیری می‌تواند خدمت کند»، در آرا و نظرات اندیشمندان و صاحب‌نظران جهانی در خصوص دنیای پسا کرونا، مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست جمهوری.

موثقی، احمد، کاهه، علیرضا (۱۳۹۴)، «دولت توسعه خواه و زمینه های توسعه در ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۵، شماره ۴، صص ۹۶۷-۹۸۹.

نای، جوزف (۱۳۹۹)، «ایالات متحده امریکا به یک راهبرد جدید نیاز دارد»، در آرا و نظرات اندیشمندان و صاحب‌نظران جهانی در خصوص دنیای پسا کرونا، مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست جمهوری.

نصری، فرامرز و تبرزد، محمد سعید (۱۳۹۹)، «تأثیر پاندمی کرونا بر توسعه حکمرانی هوشمند»، حکمرانی متعالی، سال اول، شماره ۲، صص ۵۷-۷۶.

نعیمی، علیرضا و معینی، علیرضا (۱۳۹۹)، «بررسی ظرفیت‌ها و کارکردهای رویکرد نوآوری صرفه جویانه در شرایط بحران کرونا و درس آموخته‌هایی برای دوران پسا کرونا»، سیاست نامه علم و فناوری، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۴۱-۵۷.

هراری، یووال نوح (۱۳۹۹)، «جهان پس از ویروس کرونا»، ترجمه عرفان ثابتی، سایت آسو: WWW.aasoo.org/fa/articles/2747.

- Capoccia, Giovanni, Kelemen, R.Daniel (2007), "The Study of Critical Junctures: Theory, Narrative, and Counterfactuals in Historical Institutionalism", World Politics, Volume 59, Number3, pp.341-369.
- Green, Duncan (2020), "Covid-19 as a Critical Juncture- How Will the World Repond?":
Www.Ethical Trade. Org/ Blog/Covid-19-Critical-Juncture How-Will-World-Respond.
- Mirowski, Philip (2013) Never let a Serious Crisis Go to Waste: How Neoliberalism Survived the Financial Meltdown, London: Verso Books.
- Stockton, Frank (2012), The Lady, or the Tiger: And Other Stories, London: Forgotten Books.

